

تذکر به برادرانی که اثر سوء تشکیک در روایت رسمی را می‌دانند

بر سر شاخ بن نبیرید



علی ملکی

حیرنگار گروه سیاست

یک سال از حادثه تلخ سقوط بالگرد حامل سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور شهید و همراهان ایشان در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ که به شهادت آن‌ها منجر شد، می‌گذرد و همچنان برخی در حال تولید ابهام از حادثه هستند. این در حالی است که گزارش ستاد کل نیروهای مسلح در شهر یورماه ۱۴۰۳ منتشر شد و بر اساس آن ابعاد مختلف حادثه توسط متخصصان کشوری و لشکری بررسی شده و به‌روشنی اعلام داشته که علت اصلی سقوط، «شرایط پیچیده اقلیمی و جوی منطقه» و تشکیل ناگهانی «توده غلیظ مه متراکم و بالارونده» بوده‌است. در این گزارش با استناد به شواهد مستدل، از جمله بررسی سامانه‌های فنی بالگرد، اسناد پروازی، داده‌های ضبط‌شده و آزمایش‌های پزشکی قانونی تأکید می‌شود که هرگونه شبهه نقص فنی، خراب‌کاری، جنگ الکترونیک یا اقدام تروریستی مردود است. با این حال طی این یک‌سال به‌ویژه در روزهای اخیر برخی افراد و جریان‌های سیاسی، از جمله تعدادی از نمایندگان مجلس و مقامات دولت سیزدهم با طرح ادعاهایی نظیر ترور یا د خالت خارجی اقدام به تشکیک در این گزارش رسمی کرده‌اند. این اظهارات که دلسوزانه یا مغرضانه در محافل عمومی مطرح شده‌اند، نه تنها با یافته‌های رسمی در تعارض هستند، بلکه به التهاب افکار عمومی، تضعیف مرجعیت نهادهای رسمی و خدشه به اعتماد پایگاه اجتماعی نظام منجر می‌شوند.

■ ■ ■

چرا گزارش رسمی ستاد کل نیروهای مسلح نادیده گرفته شد؟

حدود سه ماه پس از تراژدی سقوط بالگرد حامل رئیس دولت سیزدهم، ستاد کل نیروهای مسلح گزارش نهایی خود را در باره این سانحه منتشر کرد. این گزارش که حاصل تلاش تیمی از کارشناسان در زمینه‌های فنی، مهندسی، الکترونیکی و هواشناسی بود با دقت به جزئیات تمامی جنبه‌های حادثه یک‌شبه پش‌رابررسی کرد. بر اساس این گزارش، اسناد مربوط به تعمیر و نگهداری بالگرد از بدو خرید تا زمان سانحه مورد ارزیابی قرار گرفت و هیچ‌گونه نقص یا تخطی از استانداردها مشاهده نشد. همچنین بررسی سوابق تعمیرات بالگرد در چهار سال گذشته نشان داد که تمام اقدامات معطای با پروتکل‌های استاندارد انجام شده‌است. مراحل مربوط به مأموریت پروازی از درخواست بالگرد توسط دفتر ریاست جمهوری تا اعزام آن از تهران به تبریز، سوخت‌گیری و اجرای مأموریت همگی منطبق بر آیین‌نامه‌ها و ضوابط لازم بود. داده‌های مسیر پروازی از جمله نقشه‌های پرواز و اطلاعات ثبت‌شده در آپد خلبان تأیید کرد که بالگرد دقیقاً در مسیر تعیین‌شده حرکت کرده و هیچ انحرافی از برنامه نداشته‌است. قطعات باقی مانده از بالگرد شامل موتور ها، سامانه‌های انتقال قدرت و تجهیزات الکترونیکی به‌دقت آزمایش شدند و هیچ‌گونه عیبی که بتواند به سانحه منجر شود یافت نشد.

گزارش‌های هواشناسی نیز نشان داد که شرایط جوی در لحظه سانحه به‌ویژه تشکیل ناگهانی مه غلیظ در منطقه با وضعیت ثبت‌شده در روز حادثه همخوانی دارد. داده‌های ضبط‌شده از بالگرد همراه نیز حاکی از آن بود که هیچ پیام اضطراری از سوی خلبان اعلام نشده‌است. علاوه بر این آزمایش‌های پزشکی قانونی روی پیکر شهدا هیچ

مورد مشکوکی از جمله آثار سم یا آسیب غیرطبیعی نشان‌ن داد. بررسی‌های تخصصی همچنین هرگونه احتمال خراب‌کاری، اقدام تروریستی یا دخالت خارجی مانند استفاده از سامانه‌های آقندی، پدافندی، جنگ الکترونیک یا لیزر را به طور کامل رد کرد. در نهایت گزارش با قاطعیت نتیجه گرفت که عامل اصلی سقوط شرایط پیچیده جوی منطقه و تشکیل ناگهانی توده مه غلیظ و بالارونده بود که منجر به برخورد بالگرد با کوه شد. این یافته‌ها با روایت رئیس دفتر رئیس‌جمهور، اسماعیلی همراستا است. او روز پنجشنبه اول خرداد در گفت‌وگویی شرح داد که در مسیر بازگشت از دیدار با رئیس‌جمهور آذربایجان بالگرد حامل رئیس‌جمهور به‌طور ناگهانی وارد منطقه‌ای با مه غلیظ شد و تنها ۳۰ ثانیه پس از آن ارتباط با بالگرد قطع شد.

مطالباتی که علیه نظام سیاسی حرکت کرد

با وجود انتشار این گزارش، برخی چهره‌های سیاسی از جمله نمایندگان مجلس مانند کامران غضنفری و حمیدرسایی و همچنین برخی فعالان سیاسی در فضای مجازی، اقدام به طرح ادعاهایی کرده‌اند که سانحه را نتیجه ترور یا دخالت خارجی، از جمله همکاری رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان معرفی می‌کنند. غضنفری در همایشی مدعی شده که «رئیس‌جمهور با همکاری رژیم علی‌اف به شهادت‌رسیده و این موضوع به دلیل مصلحت‌اندیشی اعلام‌نشده‌است.» رسایی نیز با طرح سؤالی درباره حادثه آن‌را به حذف یک‌رئیس‌جمهور انقلابی در راستای سناریوهای منطقه‌ای دشمن مرتبط دانسته‌است. محسن منصوری، معاون اجرایی رئیس‌جمهور هم به‌تازگی در گفت‌وگویی از یکسور بر اکتفا به گزارش رسمی تأکید می‌کند و از سوی دیگر با تأیید «شبهات و ابهامات زیاد» درباره این سانحه دوباره به ابهامات وزن می‌دهد. این دست ادعاها که بعضاً در قالب مطالبه‌گری مطرح می‌شوند نه تنها فاقد مستندات معتبرند، بلکه با گزارش رسمی در تضاد کامل قرار دارند. حتی برخی از نزدیکان رئیس‌جمهور شهید از جمله محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با



انتشار محتوایی در فضای مجازی که شهادت رئیس‌جمهور را با ترور شخصیت‌هایی مانند حاج قاسم سلیمانی و اسماعیل هنیه مقایسه می‌کند به‌طور غیر مستقیم به این شبهات دامن زده‌اند. این رویکردها فارغ از انگیزه‌های احتمالی از جمله آگاهانه و غیر آگاهانه پیامدهای خطرناکی به همراه دارند.

مرجعیت‌زدایی از نهادهای رسمی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تشکیک‌ها خدشه به مرجعیت نهادهای رسمی نظام به‌ویژه ستاد کل نیروهای مسلح است. این نهاد به‌عنوان مرجع قانونی و رسمی بررسی سانحه‌ها کارشناسی، گزارشی فنی ارائه کرده‌است. زیر سؤال بردن این گزارش بدون ارائه شواهد معتبر نه تنها جایگاه نهادهای مسئول را تضعیف می‌کند، بلکه به القای بی‌اعتمادی به ساختارهای نظام منجر می‌شود. همان‌طور که سردار سنایی‌راد، معاون سیاسی دفتر عقیدتی–سیاسی فرماندهی کل قوا در یادداشتی برای روزنامه جوان اشاره کرده در همه نظام‌های سیاسی، بیانه‌های رسمی مرتبط با امنیت ملی قطعیت داشته و تشکیک در آن‌ها خطر قزم محسوب می‌شود. این رویه در کشور های با نظام‌های سیاسی – اقتصادی آزاد نیز رعایت می‌شود.

چهره‌هایی که این ادعاها را مطرح می‌کنند، یا در دولت هستند و یا در مجلس، یعنی دسترسی بیشتری نسبت به دیگران به اطلاعات موثق دارند و انتظار می‌رود طرح ادعایشان درباره حوادث این چنینی سستند و مستدل باشد، در غیر این صورت این رفتارها صرفاً بازی با افکار عمومی تلقی خواهد شد.

پایگاه اجتماعی نظام نیازمند تقویت است نه تضعیف

یکی دیگر از پیامدهای این شبهه‌افکنی‌ها تأثیر منفی بر اعتماد و اعتقاد پایگاه اجتماعی نظام به‌ویژه قشر متدین و انقلابی است. طرح ادعاهای مبنی بر ترور یا

مصلحت‌اندیشی نظام در عدم اعلام واقعیت، روحیه این نیروها را تضعیف می‌کند. این در حالی است که ایران بارها جدیت و صراحت خود را در برابر خراب‌کاری‌ها نشان داده‌است. عملیات نظیر وعده صادق، حمله به پایگاه عین‌الاسد و پاسخ به حمله به کنسولگری ایران در دمشق نمونه‌هایی از این قاطعیت در برابر اقدامات خصمانه هستند. القای اینکه نظام در برابر یک اقدام احتمالی تروریستی علیه رئیس‌جمهور خود دچار محافظه‌کاری شده هیچ عایدی‌ای جز تضعیف تصویر نظام در میان مردم ندارد.

بازی در زمین اغیار

تشکیک در گزارش رسمی به‌ویژه با طرح ادعاهای بدون سند، دست ایران‌ستیزان را برای ضربه به سر مایه‌های اجتماعی کشور بازر می‌کند. القای منعب، ترس، یا محافظه‌کاری در نهادهای نظامی و رسمی، دقیقاً در راستای طرح دشمن برای تضعیف اقتدار نظام و ایجاد خودتحمقیری در داخل است و این گونه ادعاها با القای ضعف نظام، به دشمن صهیونیستی که در شرایط ناپایداری به سر می‌برد، فرصت قدرت‌نمایی می‌دهد. این در حالی است که نظام اسلامی، با اجرای عملیات نظیر وعده صادق ۲ نشان داده که در برابر اقدامات دشمن کوتاه نمی‌آید. به نظر می‌رسد برخی از این اظهارات بیش از آن که بر اساس تحلیل فنی یا شواهد مستدل باشند از در پیجه سیاسی مطرح می‌شوند. اگر بخواهیم خیلی بدبینانه به این ادعاها نگاه کنیم برخی جریان‌های سیاسی با طرح شبهات به دنبال بهروربرداری سیاسی از جمله تضعیف دولت یا ایجاد التهاب در جامعه‌اند. این جریان‌ها، گاه با مرتبط کردن حادثه به مسائل منطقه‌ای یا ادعای ممانعت دولت از اجرای عملیات نظامی سعی در پیشبرد اهداف سیاسی خود دارند. این رویکرد نه تنها به حل مسئله کمک نمی‌کند بلکه با سیاسی‌سازی یک تراژدی ملی، به وحدت و انسجام جامعه آسیب می‌رساند.

آزمون انسجام انقلابی

در شرایط حساس کنونی که ارکان کشور در حال دست و پنجه نرم کردن با بمباران رسانه‌ای ترسپ و کارگزارانش است، حفظ انسجام ملی و تقویت اعتماد عمومی به نهادهای رسمی بیش از پیش اهمیت دارد. از این رو انتظار می‌رود همه جریان‌های سیاسی به‌ویژه افرادی که خود را در جایگاه مطالبه‌گری انقلابی می‌بینند با رعایت خطوط قرمز امنیت ملی از طرح ادعاهای غیر مستند پرهیز کنند. دستگاه قضایی نیز می‌تواند با ورود به این موضوع مانع از تداوم شبهه‌افکنی‌هایی شود که به تشویش اذهان عمومی و تضعیف مرجعیت نظام منجر می‌شود. سردار سنایی‌راد، کرانس این ادعاها را به قدری خطرناک می‌بیند که در یادداشتش پیشنهاد می‌دهد ورود مدعی‌العموم، حتی در صورت عدم شکایت نهادهای نظامی می‌تواند به جلوگیری از این روند کمک کند.

حادثه سقوط بالگرد رئیس‌جمهور شهید یک تراژدی ملی بود که با بررسی‌های دقیق و انتشار گزارش رسمی ابعاد آن به‌طور کامل روشن شده‌است. طرح شبهات غیر مستند نه تنها به حل مسئله کمک نمی‌کند، بلکه به اعتماد عمومی، انسجام بدنه انقلابی و جایگاه نظام در برابر دشمنان آسیب می‌رساند. حداقلی‌ترین انتظاری که یک نظام سیاسی می‌تواند از بدنه نزدیک می‌خوش داشته باشد احترام به گزارش رسمی و پرهیز از حاشیه‌سازی است تا به حفظ وحدت ملی و تقویت نظام کمک کند.

استقبال عجیب از مسئولان اقلیم کردستان، مصاحبهٔ رسمی با زبان غیرفارسی توسط وزرا و... آیا همهٔ اینها تصادفی است

گاف پشت گاف

شهر سنج در صبح سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت، صحنه مراسمی جنجال‌برانگیز بود؛ مراسمی که قرار بود صرفاً نشانی از میزبانی از چهار استاندار اقلیم کردستان عراق باشد؛ اما با حواشی فراوانی همراه شد. براساس فیلم منتشرشده توسط روابط عمومی استانداری کردستان، در بخشی از مراسم استقبال، گروهی از زنان کرد با پوشش‌شی غیرمتعارف، سوار بر اسب، در دو سوی بلوار پاسداران صف کشیده بودند تا خودروهای مقامات اقلیم کردستان را تا محل اقامت بدرقه کنند. این صحنه واکنش‌های انتقادی گسترده‌ای از سوی شهروندان و فعالان فرهنگی در پی داشت و بار دیگر اهمیت مسئله درک مسئولان از هویت ملی و حساسیت‌های اجتماعی را گوشه زد. مقامات استانداری کردستان، به‌جای پذیرش مسئولیت، حضور این اسب‌سواران را «خودجوش و مردمی» توصیف کردند. ادعایی که با توجه به ماهیت رسمی رویداد و وجود ویدئوی منتشرشده توسط خود استانداری، به‌سختی قابل باور است. این اقدام که با پروتکل‌های معمول در سطح استقبال از مقامات همخوانی ندارد صرفاً یک اشتباه تشریفاتی نیست؛ بلکه هشداری جدی درباره ضرورت فهم و هم‌افزایی میان اهداف سیاست‌گذاری، اصول اجرایی، افکار عمومی و ملاحظات ملی توسط مسئولان کشوری است.

پیش از این نیز گفت‌وگوی غلامرضا نوریزقلیج، وزیر کشاورزی با خبرنگاران جمهوری آذربایجان به زبان ترکی، موضوع حساسیت‌های زبانی و قومی را به صدر اخبار کشاند. درحالی که زبان ترکی یکی از زبان‌های رایج و محترم در کشور است؛ استفاده از آن در موقعیت رسمی و بین‌المللی به‌جای زبان فارسی، مغایر با اصول وحدت ملی و به‌معنی نادیده گرفتن جایگاه زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی و مشترک ایرانیان است. ماجرا به‌همین ج‌ا ختم نمی‌شود؛ اظهارات یوسف پزشکیان، فرزند رئیس‌جمهور و مشاور دفتر او، در دفاع هجانی از زبان ترکی و انتقاد از برجسب‌زنی به حامیان تجزیه‌طلبی، نگرانی‌ها در مورد بی‌توجهی به اهمیت زبان فارسی کشور را بیشتر می‌کند. مواضعی که به‌دلیل جایگاه خانوادگی او، در فضای افکار عمومی در حکم موضع‌گیری غیررسمی دولت و شخص رئیس‌جمهور تلقی می‌شود. رخدادهای اخیر، مجموعه‌ای از اقدامات ناهمخوان را به تصویر می‌کشد که بیش از آن‌که به وحدت ملی یاری رسانند، زمینه‌ساز واگرایی و سوءبرداشت‌های قومی و سیاسی شده‌اند. در شرایطی که دولت تلاش می‌کند با تنوع قومی و زبانی در ترکیب مدیریتی خود، پیام مشارکت ملی ارسال کند، رعایت دقیق اصول تشریفاتی، زبان رسمی و درک صحیح از حساسیت‌های عمومی، ضرورتی غیرقابل چشم‌پوشی است.

■ ■ ■

استقبال تشریفاتی برای مقامات میانی کشورهایی معنی است

در سطح دیدار با مقامات میانی همچون استانداران، برگزاری مراسمی با این سطح از تشریفات و تدارکات توجیه ندارد. در عرف دیپلماتیک، مراسم استقبال ویژه با حضور نیروهای تشریفات، نمایش‌های فرهنگی یا پوشش رسانه‌ای گسترده، غالباً برای مقامات عالی‌رتبه مثل رؤسای‌جمهور یا نخست‌وزیران تدارک دیده می‌شود. استانداران حتی در سطح روابط خارجی منطقه‌ای، در ده‌ای نیستند که نیازمند چنین سطحی از نمایش رسمی و پرهزینه باشند. از سوی دیگر، استفاده از اسب‌سوار ی در



قالب یک حرکت نمایشی برای مشایعت مهمانان در خیابان، بیشتر یادآور نمایش‌های فانتزی و غیررسمی بود تا یک پروتکل دیپلماتیک معتبر. در عرف دیپلماتیک، حتی در سطح دیدار میان مقامات عالی‌رتبه، تشریفات با دقت و چهارچوب‌هایی مشخص انجام می‌شود و هرگونه ابتکار خارج از این چهارچوب‌ها باید پیش تر مورد تأیید مقامات مسئول قرار گیرد.

به جای هم زدن ماجرا، عذرخواهی کنید

در پی افزایش موج انتقادات، معاون سیاسی و امنیتی استاندار کردستان در اظهارنظری عجیب، مدعی شد که حضور زنان اسب‌سوار، خارج از برنامه رسمی و به‌صورت خودجوش و مردمی بوده است. این در حالی است که اولاً بلوار محل مراسم برای عبور خودروها بسته شده بود، ثانیاً اسب‌سواران در فیلم رسمی منتشرشده توسط خود استانداری به‌وضوح دیده می‌شوند و ثالثاً حضور آن‌ها در بخش اصلی مراسم، نه در حاشیه و اطراف، بلکه در مسیر رسمی تشریفات ثبت شده است. این تناقض میان اقدام صورت گرفته و موضع‌گیری بعدی مسئولان، نشانه‌ای از نبود صداقت در ارتباط با افکار عمومی تلقی شده و به‌عنوان بی‌مسئولیتی مدیریتی شایسته نقد است. نهادهای دولتی در برابر اقداماتی که در حوزه مسئولیتشان اتفاق می‌افتد، موظف به پاسخ‌گویی شفاف هستند و نه صرفاً توجیه یا انکار.

آسیب به وحدت ملی

آنچه ماجرای سنجند را از یک اشتباه اجرایی ساده به موضوعی ملی تبدیل کرده، این است که در کشوری با تنوع قومی، زبانی و فرهنگی گسترده، هر اقدامی که در سطح عمومی انجام می‌شود باید با نگاه به منافع وحدت ملی و انسجام اجتماعی طراحی و اجرا شود. در سال‌های اخیر، بسیاری از دلسوزان

فرهنگی و سیاسی کشور بارها ه هشدار داده‌اند که نگاه سطحی به مسئله قومیت‌ها، استفاده ازبازی از نمادهای محلی بدون درک دقیق از پیامدهای آن و نادیده گرفتن معیارهای مشترک ملی، می‌تواند موجب شکاف‌های هویتی و فرهنگی شود. ماجرای استقبال از استانداران اقلیم کردستان نیز در همین چهارچوب مورد نقد قرار دارد. برای پیشگیری از تکرار چنین حواشی‌ای، باید دستورالعمل‌های شفاف و سطح‌بندی‌شده‌ای برای نوع، ابعاد و میزان تشریفات در مراسم استقبال از مقامات داخلی و خارجی تدوین شود. برگزاری مراسم تشریفاتی نباید به ابتکار فردی یا تصمیم‌گیری مقطعی سپرده شود. در صورت بروز خطا یا انتقاد، اولین واکنش مسئولان نباید انکار یا فرارکنی باشد، بلکه باید مسئولیت‌پذیری، شفاف‌سازی و عذرخواهی در صورت لزوم در دستور کار قرار گیرد. مدیرانی که در مواجهه با قومیت‌ها و نمادهای فرهنگی محلی هستند، باید درک دقیقی از مرز میان ترویج فرهنگی و تدروی نمادین داشته باشند.

مصاحبه به زبان ترکی؛ اشتباهی راهبردی

پیش از این غلامرضا نوریزقلیج، وزیر کشاورزی در سفر به مناطق مرزی، در پاسخ به خبرنگاران جمهوری آذربایجان به زبان ترکی مصاحبه کرد. این اقدام در نگاه اول شاید یک حرکت فرهنگی یا حتی تسهیل ارتباط تلقی شود، اما به‌سرعت به یک موضوع سیاسی–هویتی در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی بدل شد. یک مقام ملی به‌ویژه در جایگاه وزارت، نباید با رسانه‌های کشور ی دیگر از زبان آن رسانه در ارتباط رسمی استفاده کند. این رفتار ممکن است از سویی ناظران منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان نشانه‌ای از تضعیف وحدت زبان رسمی کشور تفسیر شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی،

آموزشی و اداری کشور تعیین شده است. این جایگاه، یک انتخاب صرفاً زبانی نیست، بلکه بخشی از سازوکار حفظ وحدت و انسجام ملی در کشوری با ده‌ها قوم و زبان گوناگون است. اگرچه اصل یازدهم قانون اساسی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در رسانه‌ها و آموزش ادبیات محلی را مجاز دانسته، اما این مجوز در چهارچوب «محلی بودن» معنا دارد. استفاده از زبان محلی در سطوح رسمی و رسانه‌ای، به‌ویژه از سوی مقامات کشوری، به‌نوعی عبور از این مرز محسوب می‌شود و می‌تواند پیام‌هایی فراتر از قصد گوینده منتقل کند.

احساسات در جایگاه سیاست‌گذاری

هم‌زمان با ماجرای وزیر کشاورزی، یوسف پزشکیان، دستیار دفتر رئیس‌جمهور و فرزند مسعود پزشکیان، در شبکه اجتماعی ایکس اظهاراتی منتشر کرد که بازناب گسترده‌ای داشت. او از ضرورت آموزش زبان ترکی، ارزش فرهنگی آن و حتی مقابله با سیاست‌های محدودکننده علیه زبان‌های محلی سخن گفت. یوسف پزشکیان، مشاور و دستیار رسانه‌ای دفتر رئیس‌جمهور است و از نظر افکار عمومی، حرف‌های او به سادگی نمی‌تواند جدا از بدنه دولت تفسیر شود. فرزندان و اطرافیان مقامات عالی‌رتبه دولتی ناگزیر در قانون توجه افکار عمومی هستند. در این وضعیت، انتشار دیدگاه‌های قوم‌محور، بدون چهارچوب حقوقی مشخص یا تحلیل کارشناسی، می‌تواند فضای سوءبرداشت و چنددستگی را تشدید کند. اگرچه حمایت از زبان‌های مادری یک مطالبه مشروع و قابل احترام است، اما بیان آن باید در بستری کارشناسی، حقوقی و همراه با سیاست‌ورزی مسئولانه انجام گیرد. استفاده از تریبون‌های عمومی و زبان احساساتی، بدون درک از حساسیت‌ها، تنها به برجسته‌سازی تنش‌ها منجر می‌شود.

تنوع فرهنگی یا تفرقه‌افکنی ناخواسته؟

ایران کشور اقوام است. از آذری و کرد گرفته تا بلوچ و عرب، هرکدام دارای زبان، سنت و فرهنگ غنی‌اند. قانون اساسی نیز بر اهمیت احترام به این تنوع تأکید کرده است. اما مرز باریکی بین «تجلیل از تنوع» و «بازتولید تفرقه» وجود دارد. هرچا این مرز نادیده گرفته شود، تنوع به تهدید تبدیل می‌شود. وقتی یک مقام دولتی بدون در نظر گرفتن اصول وحدت ملی، زبان محلی را در رسانه‌های بین‌المللی به کار می‌برد یا فرزند رئیس‌جمهور بدون ملاحظه پیامدهای امنیتی، به ستایش هویتی خاص در بستر رقابت‌های فوتبال می‌پردازد، در واقع آتش زیر خاکستر اختلافات را شعله‌ور می‌کند؛ حتی اگر خودشان چنین نیتی نداشته باشند. دولت چهاردهم با شعار عدالت قومی و مشارکت فراگیر بر سر کار آمد. استفاده از نیروهای محلی در پست‌های کلیدی، نشان‌دهنده همین رویکرد است. اما چالش اصلی این است، تنوع به تهدید نگاهی باید با سیاست‌گذاری دقیق همراه باشد. یعنی ضمن احترام به اقوام، نباید به‌گونه‌ای عمل شود که تصور شود هر مقام از قوم خود، مجاز به رفتارها یا اظهاراتی خارج از چهارچوب ملی است. دولت باید خطوط قرمز وحدت ملی، زبان رسمی و حساسیت‌های امنیتی را برای بدنه اصلی خود روشن کند. در غیر این صورت، این سر مایه هم‌افزایی قومی می‌تواند با چند اظهار نظر نسنجیده از بین برود.